

تحلیل تصویر در

کتاب فارسی دهم

۱۳۹۵

■ صغری یوسفی اوروند

دبیر زبان و ادبیات فارسی، اداره آموزش و پرورش شهرستان اندیکا

■ ایمان مظفری بابادی

راهبر آموزشی، اداره آموزش و پرورش شهرستان اندیکا

چکیده

■ تصاویر ضمن اینکه تکمیل کننده مفاهیم متن اند، سبب عمیق تر شدن یادگیری و نیز التذاذ ادبی دانش آموزان می شوند و به سبک شناختی یادگیری آن ها کمک می کنند. از این رو، نگارندگان این مقاله به بررسی و تحلیل تصاویر کتاب فارسی دهم از نظر ترکیب رنگ، تناسب موضوعی با مفهوم و پیام متن، حجم تصویر، فضا سازی و تناسب اجزای تصاویر و نیز واقعی یا غیر واقعی بودن تصاویر پرداخته اند. در پایان نیز پیشنهادهایی در این زمینه ارائه شده است.

کلیدواژه ها: تصویر، فارسی دهم، حجم، رنگ، تناسب

مقدمه

تحقیقات نشان داده است که تصاویر نقش بسزایی در جلب توجه دانش آموزان و ایجاد انگیزه در آنان، و نیز انتقال مفاهیم و مضامین آموزشی، پرورشی و تربیتی دارند. بر همین اساس، نگارندگان درصدد بررسی و تحلیل کتاب فارسی دهم برآمدند. در این مقاله، ابتدا هر تصویر آمده و در زیر آن، نتیجه تحلیل بیان شده است.

تاکنون کسی بدین شکل خاص به تحلیل تصاویر نام برده نپرداخته است، که این خود، یکی دیگر از دلایلی است که نگارندگان را در تهیه و تدوین این مقاله مصمم کرد. متن اصلی از تحلیل تصویر پشت و روی جلد آغاز می شود و به ترتیب صفحه تا پایان



آنکه اگر تصویر مینیاتور واضح تر و بزرگ تر بود، بیشتر ایجاد انگیزه می کرد. معرفی استاد فروزانفر کاری شایسته است اما تصویر ایشان در قسمتی قطع شده است.

کتاب ادامه می یابد.

■ با توجه به اینکه تصویر روی جلد کتاب، نقش بسزایی در ایجاد انگیزه در مخاطب و جلب توجه او دارد، سفیدی بیش از حد و نقش های مبهم و پراکنده و محو شده در تصویر زمینه، جالب توجه نیست. تصویر درخت بر تصویر مینیاتوری و شعرهای نوشته شده روی تصویر تسلط دارد؛ حال



■ اندازه تصویر مناسب نیست. قسمتی را که در آن نگاه آموزگار به سمت پنجره است، عطف کتاب قطع کرده است. از رنگ‌های چرک و تیره استفاده شده است. انتخاب فیگور خسرو که حاکی از شیطنت اوست مناسب است اما با نگاه در جزئیات در می‌یابیم که در فیگور شکم و صورت او اغراق شده و با حالات واقعی و تناسب کلی و رابطهای که در ترسیم با سایر اجزای تصویر وجود دارد، مغایر است. سن خسرو به نظر بیشتر از یک دانش آموز ابتدایی است.



■ تصویر سنگ‌فرشی خاکستری و مبهم و خالی از نشانه‌های زیباشناختی است که مفهوم کلی و چکیده فصل را نیز دربر ندارد و دانش‌آموزان را برای ورود به فصل برنمی‌انگیزد.



■ تصویر با عنوان درس همخوانی دارد؛ گرچه خود عنوان ارتباط چندانی با محتوای درس ندارد. حجم تصویر مناسب است اما در آن از رنگ‌های تیره استفاده شده و همین، تصویر را دلگیر کرده است. جهت تصویر از چپ به راست است؛ در صورتی که خط فارسی از راست به چپ نوشته می‌شود. بنابراین، همسو نبودن تصویر با نوشته از جذابیت آن کاسته است (جهت حقیقی حرکت آب هم دقیقاً خلاف جهت تصویر است). تصویر نمود واقعی ندارد.



■ تصویر مبهم، پراکنده و غیرواقعی است و حجم آن با توجه به سفیدی صفحه کم است. تناسب رنگ بین قسمت‌های مختلف تصویر رعایت نشده است. پس‌زمینه تصویر رنگی یکدست و یکنواخت دارد که باعث دل‌زدگی می‌شود؛ حال آنکه دانشمند به رنگی روشن ترسیم شده و همین باعث شده است مخاطب احساس کند که هیچ ارتباطی میان تصاویر نیست و هر کدام در عالمی متفاوت‌اند. ارتباط محتوایی متن با تصویر ضعیف است و گویای پیام متن نیست. در متن از گفت‌وگوی دانشمند و چوپان سخن گفته می‌شود؛ حال آنکه در تصویر چوپان مشغول نی زدن است و دانشمند خارج از گود ایستاده و محو شنیدن صدای دلنوازی او شده است.



■ محتوای درس آفرینش انسان از خاک و نیز رویش گل‌ها و گیاهان در فصل بهار است، اما تصویر پایین صفحه به رنگی تیره و چرک با کیفیت پایین، تعدادی سرو (از جهت اینکه سرو نماد جاودانگی و زندگی است آوردن آن پذیرفتنی می‌نماید اما رنگ تیره‌اش سبب دل‌زدگی می‌شود) را نشان می‌دهد که در پس آن‌ها غبار ابری حاکی از غم‌آلودگی و کوه‌هایی مبهم ترسیم شده است. حجم تصویر مناسب نیست، تصویر از پایین صفحه برش خورده است و نوار تیره‌رنگ بالای صفحه نیز تناسبی با محتوا ندارد.



■ تصویری مینیاتوری به رنگ سیاه و سفید که مبهم و دل‌گزا و خالی از گردش رنگ است و ذوق ادبی مخاطب را اقناع نمی‌کند. در حالی که مینیاتورها به شکل دلپذیری دارای چرخش و ترکیب‌بند و رنگ به آن‌ها روح و جان می‌بخشد. اندازه و حجم تصویر خوب است، اندازه متن به کار رفته برای عنوان فصل و زیرفصل‌ها مناسب است و با اینکه در وسط تصویر قرار گرفته است، بیننده در تصویر نقصی احساس نمی‌کند.



■ **بین متن و تصویر** ناهماهنگی وجود دارد و گویی دو جزء مجزا هستند. تصویر در صفحه رها شده و خواننده حس نمی‌کند که تصویر متعلق به این متن است. از این رو، زمانی که متن را می‌خواند، متوجه تصویر نمی‌شود. چرخش رنگ بین اجزا متناسب نیست.



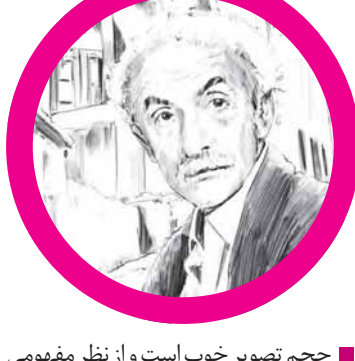
■ **حجم تصویر خوب** است ولی باز هم از پس زمینه سیاه استفاده شده است. طرح اسب بسیار تصنعی است و شباهتی به نقاشی ندارد. در ضمن، گویای جزئیات بیان شده در متن هم نیست.



■ **تصاویر و فیگورها** کاملاً غیرواقعی و رنگ‌ها تیره و چرک و کدرند. هم برای ناصر خسرو که به حمام نرفته و هم برای گرمابه‌بان، از یک ترکیب رنگ استفاده شده است. تصاویر با متن ارتباط موضوعی دارند اما به شکلی کاملاً تصنعی و غیرجذاب، و بیشتر به شخصیت‌های تخیلی کارتون‌ی شباهت دارند تا به تصویری که نشان‌دهنده داستانی واقعی باشند. عناصر و شخصیت‌های تصویر درون صفحه رها شده‌اند و برای آن‌ها فضاسازی وجود ندارد. از لحاظ اندازه، بین تصویر و متن تناسبی نیست. تصاویر بر متن تسلط دارند.



■ **تصویر غیرواقعی و ترکیب اجزای بدن** شخصیت آن، به خصوص در ناحیه انگشتان، بسیار ساده‌سازی شده است. حجم تصویر نسبت به سفیدخوانی صفحه متناسب است. تصویر به‌طور کامل تکمیل‌کننده مفهوم متن نیست. رنگ آن کلیشه‌ای و یکنواخت است.



■ **حجم تصویر خوب** است و از نظر مفهومی نیز با متن تناسب دارد اما از لحاظ کیفیت، مناسب نیست. تنوع رنگ ندارد و نور سفید ساطع شده از آن، آزاردهنده است و دل را می‌زند؛ حال آنکه یکی از وظایف تصویر این است که مخاطب را جذب متن کند.



■ **تصویر حجم خوبی** دارد اما مبهم و غیرواقعی است و با سن دانش‌آموزان تناسبی ندارد. در عین حال، فاقد تنوع رنگ است. در اجزای نقاشی بیشترین ارزش به گرگ داده شده است؛ به طوری که فیگور گرگ تهاجمی‌تر و واقعی‌تر ترسیم شده است. تصویر گویای متن نیست و در صورت نبود متن، اطلاعات زیادی از آن به دست نمی‌آید.



■ **شعر «بوی گل و ریحان‌ها»** شعری شاد و شورانگیز است و وزن شاد و ضربی هم دارد اما تصویر پایین صفحه، غم‌آلود و تیره است و تناسبی با متن ندارد. حجم تصویر کم است و



■ **حجم تصویر مناسب** است. تصویر گل‌ها با ادبیات غنایی تناسب دارد اما از رنگ‌های تیره و یکنواخت استفاده شده است.

اجزای آن با هم متناسب نیستند. افق، کوه‌ها و دریا در نقطه عطف هم قطع شده است.



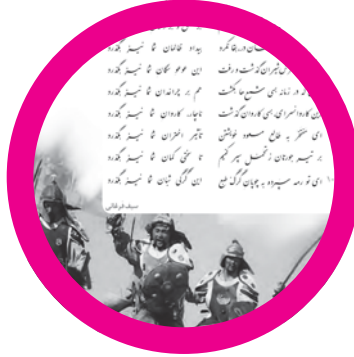
■ تصویر، زیبا و انتزاعی است، با عنوان فصل کاملاً تناسب دارد اما یکی از ایرادهایی که به آن وارد است، ترکیب رنگ است. سیم خاردار نماد ظلم و گرفتاری است و ترسیم آن به رنگ سفید مناسب نیست. اگر رنگ تیره در سیم خاردار و سپیدی در کبوتر - که نماد رزمندگان و ظلم‌ستیزان و نیز پیام‌آور صلح است - برتری می‌یافت و تضاد رنگ‌ها نمادها را آشکارتر می‌کرد، بهتر بود. ایراد دیگر، قطع و محو شدن تصویر در عطف است. حجم تصویر متناسب نیست؛ یک صفحه خالی با رنگی یکنواخت. در ترسیم نوک کبوتر به جزئیات دقت شده اما به چشم‌های آن توجهی نشده است.



■ تصویر صفحه ۶۳ از نظر محتوایی با درس، که در مورد امام(ع) است، متناسب دارد اما رنگ آسمان پشت تصویر کدر و مات است. تصویر صفحه ۶۴ نیز کاملاً با متن هماهنگی دارد و حالت عرفانی آن به مخاطب القا می‌شود.



■ تصویر انتزاعی است و دیوار را می‌توان نماد امنیت و عدل و... دانست. تصویر با متن ارتباط معنایی دارد (ویرانی دیوار از پایه و سالم ماندن روبنا و ساختن آن، این مفهوم را می‌رساند که زیربنای جامعه راه که همان امنیت و عدالت است، باید ساخت) رنگ تصویر ساده و یکنواخت و تکراری و فیگورها غیرطبیعی هستند.



■ تصویر فشرده است و تناسب ندارد. در تصویر، سربازان غیرایرانی دیده می‌شوند که با افتخار شمشیر در دست گرفته‌اند و این، تداعی‌کننده پیروزی‌های پی در پی آن‌هاست؛ حال آنکه عنوان درس «غرش شیران» است و منظور از شیران، افراد شجاع و ایرانیان است. پس، شایسته بود تصویری ایرانی گذاشته می‌شد. البته اگر از منظر حمله مغولان و پیروزی آن‌ها و نیز اخطار شاعر به آن‌ها در مورد به پایان رسیدن حکومتشان و... نگاه کنیم، آوردن تصویری از مغولان در متن بی‌ربط نیست اما گذاشتن این تصویر از جهت مغرورانه و پیروزمندانه غریب‌نشان بسیار نامتناسب با متن است؛ چون به نظر می‌آید بیشتر بر شکوه و ابهت آن‌ها تأکید شده است تا بخواهد هشدار یا تهدیدی علیه آن‌ها باشد.



■ تصویر با متن ارتباط موضوعی دارد اما حجم آن بسیار کم است و به‌طور کامل نشان داده نشده است. رنگ آن نیز یکنواخت و غیرواقعی است.



■ تصویر کاملاً با عنوان فصل ارتباط دارد و متناسب و واقعی است. رنگ‌ها طبیعی هستند و حجم تصویر خوب است. تنها ایراد آن این است که کادر مربوط به عنوان فصل و زیرفصل‌ها، پرچم پرافتخار کشورمان را پوشانده و محو کرده است.



■ تصویر کاملاً با متن ارتباط موضوعی دارد. حجم آن هم مناسب اما بسیار غیرواقعی و فاقد جذابیت و رنگ آن نیز یکنواخت است. از آنجا که دفاع مقدس از حوادث معاصر است و به اندازه کافی تصویر واقعی از آن در دست است و خوانندگان کتاب هم نوجوانان عزیز

هستند، آوردن تصویری حقیقی از رزمندگان کشورمان برای معرفی فرهنگ جبهه و جنگ و نیز جلب توجه آنان شایسته‌تر می‌نماید.



■ حجم تصویر خوب و تا حدودی با متن متناسب است. رنگ‌های به کار رفته در دو تصویر، آن‌ها را کاملاً از هم مجزا کرده است؛ طوری که گویی در دو دنیای متفاوت‌اند و هیچ ارتباطی با هم ندارند. در کل، تصویر غیرواقعی و فاقد جذابیت است.



■ حجم تصویر کم است. تصویر مبهم و فشرده و قسمتی از آن محو شده است و اطلاعات دقیقی در مورد متن در اختیار خواننده نمی‌گذارد.



■ تصویر بسیار زشت، تیره، غیرواقعی و دل‌گراست و باعث دل‌زدگی می‌شود. در عین

حال، به صورتی کاملاً تصنعی بزرگ‌نمایی شده است. از سوی دیگر، اطلاعات کاملاً هم درباره متن ارائه نمی‌دهد؛ گرچه کاملاً هم بی‌ربط نیست. در تصویر به همه اجزای عناصر تصویر (سربازان) هویت داده نشده و حادثه تاریخی مشخصی نیز بیان نگردیده است.



■ تصویر کاملاً با عنوان فصل هماهنگی و تناسب دارد. حجم تصویر گسترده است و در قسمت‌هایی قطع شده است. رنگ تصویر تیره است و همین مسئله از جذابیتش کاسته و آن را مبهم و بی‌روح جلوه داده است. به کار بردن رنگ‌های روشن و متنوع (که جزء جدایی‌ناپذیر مینیاتور است) باعث جذابیت هرچه بیشتر تصویر و جلب توجه دانش‌آموزان خواهد شد. کادر معرفی فصل نیمی از تصویر را پوشانده است.

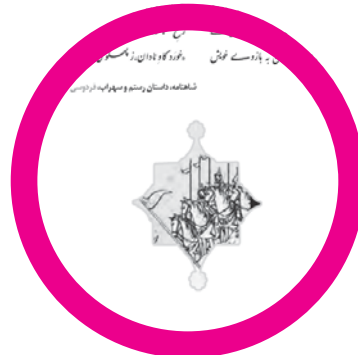


■ تصویر با متن حماسی درس هماهنگی دارد. حجم آن نیز مناسب است اما مشکل رنگ دارد. تصاویر سفید و بی‌روح‌اند و همین سبب دل‌زدگی بیننده می‌شود. مشکل بزرگ‌تر این است که بنابر آنچه در متن درس آمده، رستم با پای پیاده به جنگ می‌رود؛ حال آنکه در تصویر، رستم سوار بر رخس است. ایراد دیگر اینکه تصویر اشکبوس با

ابهت بیشتری ترسیم شده است. او را تمام‌رخ و تهاجمی کشیده و برجسته نشان داده‌اند؛ در صورتی که رستم را از نیم‌رخ کشیده‌اند.



■ با توجه به حجم سفیدخوانی، حجم تصویر کم و به شکلی کاملاً غیرواقعی است. فیکورها نیز غیرواقعی هستند. تصویر تنوع رنگ ندارد (به‌طور کلی تصاویر کتاب به صورتی است که گویی فقط چند قلم مخصوص با رنگ‌های محدود به تصویر گر داده‌اند و او را مجبور به استفاده از همان رنگ‌های خاص کرده‌اند) و از نظر مفهومی نیز متناسب با متن نیست؛ به گونه‌ای که مخاطب نمی‌تواند بین تصویر و متن ارتباط برقرار کند.



■ حجم تصویر بسیار کم است، ارتباطی با متن ندارد و ایجاد انگیزه نمی‌کند. با توجه به موضوع درس، می‌بایست تصویری از نبرد گردآفرید ترسیم می‌شد تا هم از خستگی ناشی از طولانی بودن درس بکاهد و هم باعث جلب توجه دانش‌آموزان و جذابیت درس برای آن‌ها شود. در عین حال، قدرت خواندن متن‌های دیداری را در آن‌ها تقویت کند.

■ تصویر بسیار زشت، تیره، غیرواقعی و دل‌گراست و باعث دل‌زدگی می‌شود. در عین



■ تصویر با متن متناسب است و ارتباط موضوعی دارد. حجم تصویر نیز مناسب است اما به‌طور غیرواقعی و به رنگی تیره و یکنواخت ترسیم شده است که سبب دل‌زدگی و عدم التذاذ دانش‌آموزان می‌شود.



■ تصویر غیرواقعی و کودکانه است. رنگ‌ها یکنواخت و نوع تصویرگری نیز یکدست و یکنواخت و مشابه تصاویر دیگر گنج‌های حکمت است. رنگ‌ها در خود تصویر هم با هم تناسب ندارند؛ یک طرف کاملاً یکدست و طرف دیگر متنوع است و همین امر سبب ناهماهنگی قسمت‌های مختلف تصویر شده و از جذابیت آن کاسته است. تصویر تکمیل‌کننده متن نیست.



■ تصویر با متن مرتبط و متناسب است. تصویر و فیگورها کاملاً واقعی و رنگ‌ها نیز طبیعی هستند. حجم تصویر هم با متن متناسب است.



■ تصویر، بنایی به ظاهر خشتی (که حاوی هیچ گونه اطلاعات جغرافیایی نیست) و برشی از کار کردن کارگران و بردگان را نشان می‌دهد که ارتباط چندانی هم با ادبیات جهان ندارد. به نظر می‌رسد که تصویر برده‌داری را نشان می‌دهد و آن هم بیشتر، متناسب با ادبیات پایداری است که در فصل‌های قبل آمده است. اگر تصویری از نویسندگان یا شاعران بزرگ جهان گذاشته می‌شد، متناسب‌تر بود. تصویر بزرگ‌تر از صفحه است و در عطف محو شده است.



■ رنگ تصویر کدر و چرک است. حتی تصویر خیر به رنگی کاملاً تیره کشیده شده است که همخوانی ندارد. تصویر غیرواقعی و مبهم است و قسمتی از آن را نوشته قطع کرده است. تصویر خیر بسیار کوچک است و در گوشه‌ای در حالت حقارت و درماندگی ترسیم و به همان حال رها شده است که پیام منفی دارد. درواقع، خیر بسیار ضعیف و حقیر ترسیم و به همان حال رها شده و شر مسلط و پیروز و قدرتمند نشان داده شده است. این موضوع با محتوای درس که در نهایت، خیر پیروز میدان است، همخوانی ندارد.



■ باز هم تصاویر مینیاتوری که رنگ و احساس آن‌ها را گرفته‌اند و در آن‌ها از رنگ‌های چرک و تیره استفاده کرده‌اند. تصویر بسیار گسترده و از صفحه بزرگ‌تر است و در قسمت‌های کناری و در عطف قطع و محو شده است. کادر مربوط به نام فصل و... وسط تصویر را پوشانده است. تصویر مبهم و یکنواخت است و تنوع ندارد.

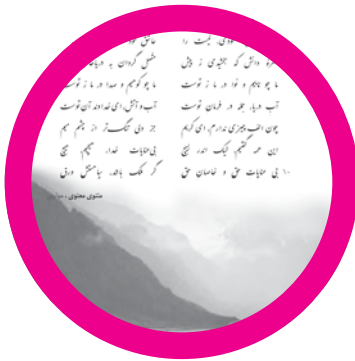


تصویر ابرهای بالای صفحات می‌تواند نماد حال و هوای لبنان باشد. رنگ تصویر خوب است اما در صفحه ۱۳۵ تصویر موسی صدر، قسمتی از آن را محو کرده است. به‌طور کلی،



■ تصویر با متن ارتباط موضوعی دارد اما بسیار مصنوعی و غیرواقعی است. فیگورها نیز غیرواقعی هستند. رنگ تصویر تیره و حجم آن نیز نامناسب است. متن قسمتی از تصویر را محو کرده است.

تصاویر متناسب با متن و حجم آن‌ها خوب است. ترکیب رنگ و تنوع آن نیز طبیعی و زیباست. در کل، در این درس از تصویر زیاد استفاده شده است؛ تصویر شاعر و ممدوحش، موسی صدر، و...



حجم تصویر مناسب است اما همان‌طور که می‌بینید، اجزای آن با یکدیگر همخوانی ندارند و رنگ‌ها هم طبیعی نیستند (کوه‌ها به رنگ آبی است).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رنگ تصاویر در بیشتر موارد تیره و کدر و بی‌روح است. تصاویر گویای مفاهیم متن نیستند و علاوه بر این، در دانش‌آموز انگیزه ایجاد نمی‌کنند. در ترسیم، تصاویر ارزش‌گذاری نشده‌اند و در اغلب موارد، تناسب رعایت نشده است. از آنجا که مخاطب کتاب دانش‌آموزان پایه دهم هستند، واقعی بودن رنگ‌ها و تصاویر لذت‌بخش‌تر و تأثیرگذارتر خواهد بود. پیشنهاد می‌شود در تصاویر از رنگ‌های شاد که با محتوای درس‌ها همخوانی داشته باشد، استفاده شود. در تصاویر مینیاتوری، با توجه به نقش و رنگ‌های زیبایی به کار رفته در آن‌ها بهتر بود از همان رنگ‌های شاد استفاده می‌شد تا هم در جلب توجه دانش‌آموزان مؤثر باشد و هم ذوق ادبی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در عین حال، از زیبایی هنر مینیاتوری آگاه و بهره‌مند شوند. لازم است حجم و اندازه تصاویر رعایت شود. در برخی قسمت‌ها نیز که در متن هم اشاره شد، از تصاویر واقعی و رنگ‌های شادتری استفاده شود. تصاویر طوری ترسیم شوند که گویای مفهوم متن باشند. در کشیدن فیگورها و جزئیات تصاویر، به خصوص گنج‌های حکمت، دقت شود. مقوله ارزش‌گذاری شخصیت‌ها و جایگاه آن‌ها در تصویر نیز مورد توجه قرار گیرد.

منبع

گروه مؤلفان. (۱۳۹۵). فارسی (۱) پایه دهم دوره متوسطه، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

به کار بردن رنگ تیره در تصویر کوزت، برای نشان دادن تاریکی بجا و مناسب است اما کوزت با سایر اجزای تصویر، مانند درخت‌ها و چشمه، تقریباً هم‌اندازه کشیده شده و به

با توجه به اینکه تصویر روی جلد کتاب، نقش بسزایی در ایجاد انگیزه در مخاطب و جلب توجه او دارد، سفیدی بیش از حد و نقش‌های مبهم و پراکنده و محو شده در تصویر زمینه، جالب توجه نیست

همین سبب، حس تنهایی، ترس، خستگی و کوچکی کوزت را به وضوح القا نمی‌کند. در این میان، سطل آب تنها قسمتی از تصویر است که این حس‌ها را منتقل می‌کند؛ آن هم به شکلی غیرواقعی. فیگور کوزت در بلند کردن سطل آب غیرواقعی است و هیچ‌گونه خمیدگی، که نشان‌دهنده سنگینی سطل باشد، در کمر و اندام او مشاهده نمی‌شود. به‌طور کلی، تصویر به شکلی غیرواقعی و غیرطبیعی اغراق‌آمیز است و میل به رها شدن و خروج از صفحه دارد. مکان قرار گرفتن تصویر در پایان درس مناسب نیست و اگر در صفحه آغازین درس می‌آمد، انگیزه بیشتری برای خواننده فراهم می‌کرد.

حجم تصویر با توجه به متن، سفیدخوانی و عظمت فردوسی کم است و در آن از رنگ‌های تکراری و کلیشه‌ای استفاده شده است. تصویر بی‌روح و غیرواقعی است و ایجاد انگیزه نمی‌کند؛ هرچند به ظاهر، با قسمتی از متن هماهنگی دارد. تصاویر ارزش‌گذاری نشده است؛ به طوری که تصویر قبر فردوسی، بسیار کوچک و در سطح پایین‌تری از تیمور قرار گرفته و این بی‌ارزش جلوه دادن جایگاه زندگی بخش زبان فارسی است که متناسب با شأن و جایگاه حکیم طوس نیست.



متن درس بسیار لطیف و عارفانه است اما تصویر، آسمانی پر از ابرهای تیره و زردرنگ را نشان می‌دهد که مانع تابش خورشید شده‌اند. حتی آبی دریا نیز به رنگی چرک و تیره ترسیم شده است. طراحی متناسب با هدف و پیام درس نیست. جلب توجه و ایجاد انگیزه نمی‌کند و برانگیزاننده حس زیبایی‌دوستی و حقیقت‌جویی با درک عناصر طبیعی نیست.